



# نظام مطلوب برای مطبوعات ایران آزادی همراه با مسؤولیت

مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها  
مهدخت بروجردی‌علوی

اشاره

برای شناخت شرایط مطلوب و مساعد فعالیت‌های مطبوعاتی، صاحبان و دست‌اندرکاران این حرفه، پیش و بیش از همه، صلاحیت و حق اظهارنظر و طرح و بیان مستقیم خواست‌ها و نیازهایشان را دارند. اگر قرار باشد متولیان اجرایی، پشت درهای بسته و تنها با هدف حفظ و تحکیم وضع موجود و مصونیت بخشی به ساختار قدرت حاکم، برای فعالیت‌های مطبوعاتی، قانون بنویسند و ضابطه وضع کنند، نتیجه همان خواهد شد که در

تمامی طول تاریخ حیات استبداد، در همه جای جهان بر سر مطبوعات و روزنامه نگاران رفته است. پیروزی انقلاب اسلامی و ساختار مردمی قدرت نظام جمهوری اسلامی، بار دیگر یک فرصت ناب و تاریخی را فراهم ساخته تا شاقلان حرفه مطبوعات در تعیین کم و کیف قانون و ضابطه‌ای که باید بر کارشان حاکم باشد، مشارکتی فعال و حضوری واقعی بیابند. چه، بدون استعانت از این حضور و مشارکت، تقریباً می‌توان گفت که هیچ قانون و نظام اداره مطبوعات در جهت تأمین منافع ملی و مردمی و نیز فراهم ساختن امکان فعالیت آزاد و مسؤولانه روزنامه نگاران، وضع و تدوین نخواهد شد.

پژوهش حاضر نیز با این نیت و هدف انجام شده است که بتواند دست‌اندرکاران و مسؤولان اجرایی و قانونگذاری کشور را دست‌کم در دو زمینه یاری دهد:

1. شناخت وضع موجود و محدودیتها و مشکلات انجام فعالیت‌های مطبوعاتی؛
2. معرفی نظام و شرایط مطلوب روزنامه نگاری و ویژگی‌هایی که باید قوانین و مقررات شغلی و مراسم‌های حرفه‌ای از جمله اخلاق حرفه‌ای مطبوعات و تشکل‌های صنفی روزنامه نگاران، براساس آنها وضع شود.

این درست است که روزنامه نگاران ایرانی در این پژوهش تنها در مورد نظام مطلوب مورد نظرشان اظهار عقیده کرده‌اند، اما به راحتی می‌توان با ارزیابی فاصله وضعیت مطلوب با آنچه در حال حاضر حاکمیت دارد و اجماع می‌شود، به بازشناسی و بازیابی واقعیت‌های موجود و مشکلات و نارسایی‌هایی که در عرصه فعالیت‌های مطبوعاتی به چشم می‌خورد نشست و به سوی آینده‌ای روشن‌تر، حرکت کرد.

این پژوهش، به دنبال آن نیست که آسیب‌شناسی کامل فعالیت‌های مطبوعاتی را ارائه کرده و نظام مطلوب و کامل آن را برای آینده، ترسیم کند، ولی نتایج آن می‌تواند به عنوان یک کار تحقیقی مستند، در سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های آینده مورد استفاده قرار گیرد و نیز لازم است که پژوهش‌های دیگری از این دست، طیف یافته‌های این عرصه را کامل کند.

## اهمیت موضوع و ضرورت تحقیق

در میان نهادهای جامعه جدید شاید هیچ‌کدام به اندازه مطبوعات، تابع شرایط و دگرگونی‌های سیاسی و اجتماعی و دستخوش فراز و فرودهای زمانه نیستند. این تأثیرپذیری تا بدانجا پیش می‌رود که می‌توان مطبوعات را بازتابنده تقریباً تام و تمام ویژگی‌های نظام‌های سیاسی حاکم زمانه دانست و نیز نظام‌های حاکم را کم و بیش درخور مطبوعاتی دانست که در جامعه تحت حکومت آنها منتشر می‌شوند. مطبوعات، به واقع چشم ملت و چراغ حکومت‌اند، وضعیت آنها، میزان الحرازه‌ای است که سلامت یا بیماری و رنجوری جامعه را می‌نمایاند. این وابستگی متقابل تا آنجا رنگ و واقعیت به خود گرفته است که نظریه‌های اداره رسانه‌ها و در رأس آنها مطبوعات، ماهیت، رنگ و بو و مشخصه‌های خود را از نظام‌های سیاسی حاکم گرفته‌اند و تا امروز هر نظریه جدیدی که تدوین و عرضه شده نیز از همین خاستگاه، موجودیت یافته است.

از عصر روشنگری و به ویژه پس از انقلاب‌های آزادی‌گرای غربی، دو نظام استبدادی و آزادی‌گرا، معرف طرز اداره مطبوعات بودند. در نیمه دوم قرن بیستم، تحت تأثیر جنگ سرد و مخاصمه دو بلوک، طبقه‌بندی معروف چهارگانه (که در بخش بررسی منابع به تفصیل درباره آن بحث خواهد شد)، به منظور تضعیف شوروی و تقویت آمریکا، ارائه شد.

به‌هر ترتیب، نظام آمرانه، نظام آزادی‌گرا، نظام مسؤولیت اجتماعی، نظام کمونیستی

خسوست و حرکت آگاهانه روزنامه‌نگاران، می‌تواند حقوق طبیعی و اساسی آنها را که همان حق مردم برای کسب اطلاع و نظارت بر عملکرد کارگزاران است، استیفا کند. در بسیاری از کشورها، از جمله در کشور ما روزنامه‌نگاران برای کسب آزادی و استیقای حقوق خود، مبارزات سنگین و پرتاوانی را پشت سر گذاشته‌اند و توفیق‌ها و ناکامی‌های نسبی نیز حاصل این مبارزات در دوره‌های مختلف بوده است.

هرچه هست در یک نکته نمی‌توان تردید کرد: اگر روزنامه‌نگاران هر کشور، خود ندانند چه حقوقی دارند، به دنبال چه هستند، شرایط موجود چه نقصان‌هایی دارد و شرایط مطلوب دارای چه ویژگی‌هایی است، اگر آنها حقوق متقابل ملت، مطبوعات و دولت را نشناسند و برای نشان دادن این حقوق بر کرسی خود نکوشند، اگر مرز باید‌ها و نباید‌های منطقی، قانونی و دموکراتیک را به درستی تشخیص ندهند و در یک جمله، اگر به حقوق خویش و جامعه خویش کاملاً واقف و آگاه نباشند، هیچگاه نخواهند توانست به سوی کسب حقوق مشروع خود و جامعه‌شان حرکت کنند و اگر چنین نشود، علی‌القاعده کسی از درون نظام حاکم یا حتی بیرون از صنف روزنامه‌نگاران، برای آنها دل نخواهد سوزاند و بر حقوق به دست نیامده‌شان - و نه از دست رفته‌شان - اندوه نخواهد خورد.

#### هدف تحقیق

این تحقیق در پی آن است که نظام مطلوب اداره مطبوعات، از دیدگاه روزنامه‌نگاران ایران را بشناسد و گامی در جهت دستیابی به شرایط مطلوب روزنامه‌نگاری که در قالب گسترده‌تر «نظام ارتباطی»، قوانین و سیاست‌گذاری‌های حاکم بر آن، قابل تحقق است، بردارد. لازمه چنین شناختی، آگاهی از چند موضوع اساسی و ضروری است:

۱. هریک از نظام‌های اداره و کنترل رسانه‌ها چه ویژگی‌هایی دارند و نقاط اشتراک و وجه تمایز آنها کدامند؟

۲. هر کدام از این نظریه‌ها در چه دوره و شرایط تاریخی متولد یا شناخته و تدوین شده‌اند و سیر تحول آنها تا به امروز چگونه بوده است؟

۳. در کشور ما با توجه به یک و نیم قرن سابقه روزنامه‌نگاری، عملاً کدام نظام‌ها و در

چه دوره‌هایی حاکمیت داشته‌اند؟

۴. روزنامه‌نگاران ماکدام نظام‌ها و چه ویژگی‌هایی را ترجیح می‌دهند و برای فعالیت مطبوعاتی سالم و منطقی، تحقق چه شرایطی را لازم می‌دانند؟

۵. آیا یکی از نظام‌های شناخته شده اداره رسانه‌ها در حال حاضر در عرصه فعالیت‌های مطبوعاتی، قابل بازشناسی است یا ترکیب و تلفیقی از آنها با گزینش ویژگی‌های مثبت هر نظام، مناسب‌تر شناخته می‌شود؟

۶. آیا می‌توان براساس جمع‌آوری دیدگاه‌ها و مشخص کردن گزینه‌های روزنامه‌نگاران کشور، به نظام یا نظریه جدیدی برای اداره رسانه‌های کشورمان رسید به طوری که در عین حال که برخی از ویژگی‌های آن با نظام‌های موجود و شناخته شده، مشترک است، خود به عنوان الگو یا نظامی مستقل، قابل عرضه و ارزیابی باشد.

#### کاربردهای تحقیق

برای انجام این پژوهش، پرسشنامه‌ای با ۶۵ گویه تهیه شده است. گویه‌ها پس از بررسی منابع مختلف در زمینه ویژگی‌های پنج نظام مورد بررسی اداره مطبوعات، شامل نظام آمرانه، نظام آزادی‌گرا، نظام مسؤولیت اجتماعی، نظام کمونیستی و نظام توسعه‌ای، استخراج و بین بیست تن از روزنامه‌نگاران باتجربه از چند روزنامه یومیه تهران، توزیع گردیده است.

نتایج این پژوهش که با استفاده از روش تحقیق Q انجام می‌شود، ما را قادر خواهد ساخت که در تدارک سیاست‌های مطبوعاتی و ارتباطی آینده و به‌طور کلی سیاست‌های ملی ارتباطی، تدوین قانون جدید مطبوعات و ایجاد نظام رسانه‌ای مستقل، تحقق اصول اخلاقی و معیارهای حرفه‌ای روزنامه‌نگاری، ضرورت وجودی، وظایف و مسؤولیت‌ها و شخصیت حقوقی تشکّل صسنفی روزنامه‌نگاران، دستیابی به یک الگوی مستقل ملی در عرصه ارتباطات و... عملکردهای خود را براساس شناخت و آگاهی قرار دهیم.

در حال حاضر، نه تنها سیاست ارتباطی بدون و منسجمی نداریم، بلکه حتی اگر بخواهیم چنین کنیم نیز تصویر روشن و داده‌های مشخصی از واقعیت‌های موجود در اختیار نداریم، در غیاب یافته‌های عینی و پژوهشی، شناخت از محیط ارتباطی و

شوروی، نظام توسعه‌ای، نظام انقلابی و... هر نام و عنوان دیگری که بیانگر شیوه اداره و کنترل مطبوعات و باید و نباید‌های حاکم بر کار آنهاست بی‌تردید، درونمایه و جانمایه خود را از شیوه اداره جامعه و ساخت و ماهیت حکومت و دولت گرفته‌اند، به بیان دیگر «فلسفه سیاسی» حاکم بر هر کشور و جغرافیایی، زایشگاه نظام‌های کنترل و اداره مطبوعات و تعیین‌کننده زاویه نگاه دولتمردان و حاکمان به این نهاد مهم نیز هست. البته نمی‌توان از نظر دور داشت که مطبوعات در عین حال که باید و نباید‌های خود را از ساختار سیاسی جامعه می‌گیرند، و با وجود آنکه به اعتقاد برخی صاحب‌نظران، اساساً در خدمت تثبیت و توجیه وضعیت موجودند، باز هم در نقد و اصلاح نظام سیاسی جامعه و اعمال فشار بر آن برای اتخاذ شیوه‌های دموکراتیک و مبتنی بر حقوق اساسی و طبیعی انسانها، تأثیری بی‌چون و چرا دارند. چه، فلسفه وجودی مطبوعات بر حقوق طبیعی انسان و ضرورت تأمین آزادی او استوار است و بنابراین حتی در برخی جوامع غیر دموکراتیک نیز، مطبوعات در خط مقدم دفاع از آزادی و مبارزه برای کسب حقوق اساسی مردم قرار دارند و خود را نخستین و ذی‌حق‌ترین مدافع آزادی می‌دانند و روزنامه‌نگاران به‌عنوان سربازان این سنگر برای فتح خاکریزهای صعب‌العبور، کمین کرده‌اند. به همین دلیل این افراد به ویژه در جوامع غیر دموکراتیک، مسؤولیتی بس سنگین به دوش دارند آنها مدام در معرض تهدیدها و خطرات بی‌شمار هستند. در عین حال بیش و نگرش، هوشیاری و آگاهی و

■ طرفداران نظام آزادی‌گرا معتقدند که مطبوعات در شرایط آزادی کامل با نوعی گزارشگری انتقادی، از آزادی‌های سیاسی حمایت کرده و اطلاعات موردنیاز یک جامعه دموکراتیک را فراهم می‌نمایند.

■ شالوده نظام مسؤولیت اجتماعی را تشکل‌های صنفی و اصول حرفه‌ای تشکیل می‌دهد.

مطبوعاتی کشور، تنها از برداشت‌های ذهنی، رنگ خواهد گرفت و در این صورت، برنامه‌ریزی‌ها و سیاستگذاری‌ها راه به جایی نخواهد برد.

در کشور ما به ویژه در زمینه چگونگی اداره و کنترل مطبوعات در دوره‌های مختلف، تحقیقات علمی چندانی صورت نگرفته و ویژگی‌های آن استخراج و ترسیم نشده‌است. البته بررسی‌های پراکنده‌ای وجود دارد که مثلاً مشخص می‌کند از چه زمانی نظام اعطای امتیاز برای انتشار مطبوعات، پا گرفته است، کنترل و سانسور مستقیم یا غیرمستقیم بر مطبوعات چگونه اعمال می‌شده است، مطبوعات آزاد، چه سرنوشتی داشته‌اند و به‌طور کلی آزادی مطبوعات در طول تاریخ روزنامه‌نگاری ایران چه معنا و تفسیری داشته است؟ چنین بررسی‌هایی باید شکل و محتوای علمی پیدا کنند و به همه زمینه‌های فعالیت‌های مطبوعاتی تسری یابد تا مجموعه‌ای نظام‌دار از یافته‌های پژوهشی را به وجود آورد. تحقیق حاضر می‌کوشد یکی از حلقه‌های این زنجیره را کامل کند.

#### محدودیت‌های تحقیق

مسی توان ادعا کرد که عرصه ارتباطات جمعی در ایران، هنوز بکر و دست نخورده است و هر محققی که پای در این وادی گذارد، قطعاً با مشکلاتی روبه رو خواهد شد. کمبود و نبود منابع فارسی و انگلیسی از عمده‌ترین این مشکلات است. ترجمه‌های معدود و پراکنده‌ای هم که صورت گرفته، غالباً ناقص و نارساست.

در مورد تحقیق حاضر، این مشکل به شدیدترین وجهی چهره نمایاند. چرا که منابع مرتبط با این موضوع، نسبت به سایر مقوله‌های ارتباطی، نه تنها در ایران، بلکه در سطح جهانی نیز دارای محدودیت است.

مشکل دیگر این است که همان محدودیت‌هایی که مطبوعات هر کشوری با آن روبه رو هستند عملاً بر انجام تحقیقات مطبوعاتی و بیان و انتشار نتایج آنها هم حاکم است و در نتیجه این امر از صراحت و جامعیت آن می‌کاهد.

از نظر روش تحقیق، هرچند در تدوین گویه‌ها تلاش فراوان صورت گرفت تا شکل و محتوای آنها القاکننده پاسخ‌های خاص نباشد، اما این احتمال وجود دارد که حساسیت

موضوع و تشابه مفاهیم برخی از گویه‌ها، از دقت و صراحت پاسخ‌ها کاسته باشد.

به‌طور کلی تعداد نسبتاً زیاد گویه‌ها و ضرورت مطالعه آنها قبل از پاسخگویی، ممکن است به عدم رغبت پاسخگو به ارائه پاسخ‌های صحیح بینجامد. دسترسی به روزنامه‌نگاران با سابقه و قانع کردن آنها به پاسخگویی دقیق، مشکل دیگری فراوری این تحقیق بود. علی‌رغم مشکلات فوق، سعی بسیار شد تا در همه مراحل، تأثیر این عوامل در صحت و روایی تحقیق به حداقل ممکن برسد.

پیوستگی نظام‌های اداره و کنترل مطبوعات در جوامع و دوره‌های مختلف با نظام‌های سیاسی و شیوه‌های اعمال قدرت و حاکمیت، مطالعه آنها را از اهمیت خاصی برخوردار می‌سازد. به بیان دیگر، پژوهش و بررسی پیرامون نظام‌های مطبوعاتی، از مطالعه درباره ماهیت، ساختار و ویژگی‌های حکومت و رابطه آن با مردم بی‌نیاز نیست.

پژوهش حاضر که در پی شناخت نظام مطلوب اداره مطبوعات از دیدگاه روزنامه‌نگاران ایرانی بوده است، با بررسی مفهوم آزادی از زوایای مختلف، آغاز می‌شود و فلسفه نظام‌های سیاسی را با توجه به پاسخ هریک از این نظام‌ها به سؤالاتی درباره ماهیت فرد، ماهیت دولت، رابطه فرد با دولت و ماهیت دناایی و حقیقت، مورد بازبینی قرار می‌دهد.

در این راستا، پنج نظام مطرح و مهم، از حیث تاریخی و جغرافیایی یعنی نظام‌های آمرانه، آزادی‌گرا، مسؤولیت اجتماعی، کمونیستی شوروی (سابق) و توسعه‌ای، تشریح و تحلیل شده‌اند و فلسفه وجودی، نقش‌ها، کارکردها، جایگاه و نحوه کنترل مطبوعات در هریک از این نظام‌ها، مورد ارزیابی قرار گرفته‌اند. در این بخش، ابتدا به بررسی اجمالی ویژگی‌های هریک از این نظام‌ها می‌پردازیم و سپس وضعیت اداره مطبوعات را در ایران، از آغاز تا پیروزی انقلاب اسلامی مورد توجه قرار می‌دهیم. در ادامه با توضیح کوتاهی درباره روش تحقیق، چکیده یافته‌ها و نتایج تحقیق را از نظر می‌گذرانیم.

### ویژگی‌های پنج نظام مورد بررسی

#### ۱. نظام آمرانه

صنعت چاپ و روزنامه‌نگاری به فاصله

دویست سال در جوامع استبدادی اروپای غربی زاده شدند. ویژگی اصلی یک جامعه استبدادی این است که در هنجارهای اجتماعی آن، «دولت» مهم‌تر و بالاتر از «فرد» به حساب می‌آید. در دولت و از طریق دولت است که فرد می‌تواند به تمدن و تکامل دست یافته و به سر منزل مقصود برسد. رسانه‌های جمعی و مطبوعات در چنین نظامی، تابع یک اصل اساسی هستند و آن اینکه آنها وجود دارند تا از قدرت و حاکمیت حمایت کنند. تعدد و تکثر مطبوعات در نظام آمرانه، افسانه‌ای بیش نیست. در عوض، همگرایی، وفاق و اجماع رسانه‌ها، منطقی و درست به نظر می‌رسد. در کشورهایی که با اصول استبدادی اداره می‌شوند، مطبوعات خارج از دستگاه دولت، اجازه جمع‌آوری و انتشار اخبار را ندارند، ولی نتیجه عملکرد آنها در جهت «مصلحت دولت» است. دولت هم تا زمانی که مطبوعات از قدرت و حاکمیت انتقاد نکنند، کاری به کار آنها ندارد، ولی در صورت حمله به قدرت و ارزشهای آن، امکان سانسور، بستن نشریه، دستگیری و تعقیب و مجازات وجود دارد. دو خصوصیت بسیار مهم این نظام که آن را از سایر نظام‌ها متمایز می‌گرداند، ضرورت کسب اجازه انتشار و نیز بازبینی و سانسور قبل از انتشار است. رالف لوونشتاین محقق آمریکایی و نویسنده کتاب «رسانه، پیام‌ها و مردم»<sup>۱</sup> نظام آمرانه را این چنین تعریف می‌کند:

یک نظام کامل آمرانه، نظامی است که در آن، رسانه‌ها دارای استقلال نیستند و قدرت و توان انتقاد را ندارند. در چنین نظامی، روزنامه‌ها، مجلات، مطبوعات دوره‌ای، کتابها، آژانس‌های خبری و رادیو و تلویزیون، به طور کامل تحت کنترل مستقیم و یا غیرمستقیم دولت قرار دارند. مالکیت متمرکز از دیگر خصوصیات نظام آمرانه است.

روزنامه‌نگاران در نظام آمرانه اداره مطبوعات به نوعی سانسور تدریجی یا خودسانسوری نیز دچار می‌شوند. به این ترتیب که به تجربه درمی‌یابند که تا چه اندازه می‌توانند پا را از حریم خود فراتر نهند تا به عواقب آن گرفتار نیابند. اگرچه از نیمه دوم قرن هیجدهم، ورق نظام استبدادی برگشت ولی روحیه این نظام از میان نرفت و امروزه در بعضی از کشورهای دنیا اعمال می‌شود.

## ۲ - نظام آزادی‌گرا

نظام و مفهوم آزادی‌گرای مطبوعات، محصول عصر روشنگری و سنت سیاسی آزادی‌گرایی است. اصول کلی این مفهوم، از اندیشه‌های فلاسفه آزادی‌گرا، نظیر جان میلتون، جان لاک و جان استوارت میل ناشی شده است. فلسفه آزادی‌گرایی بر پایه این اصل قرار دارد که بشر موجودی خردمند است و قادر به تمیز میان خوب و بد می‌باشد. مهم‌ترین کارکرد دولت نیز، برآوردن علائق تک تک افراد جامعه است و فلسفه وجودی آن تأمین محیطی است که افراد بتوانند در آن توان بالقوه خود را به فعل برسانند.

اولین کارکرد مطبوعات در نظام آزادی‌گرا فراهم آوردن زمینه‌های تعدد‌گرایی و امکان دسترسی مردم به منابع و اطلاعات گوناگون است. در چنین فضایی، افراد دست به انتخاب چیزهایی می‌زنند که فکر می‌کنند در راستای نیازها و علائق آنهاست و این همان پدیده معروف «خود-حق‌طلبی»<sup>۲</sup> است.

یکی از نقش‌های اصلی وسایل ارتباط جمعی در جوامع آزادی‌گرای سرمایه‌داری، نقش نظارت بر محیط به‌منظور هماهنگی افراد با تغییرات و دگرگونیهای جامعه و نیز نظارت بر چگونگی عملکرد دولت است.

طرفداران نظام آزادی‌گرای مطبوعات معتقدند که مطبوعات در شرایط آزادی کامل با نوعی گزارشگری انتقادی، از آزادی‌های سیاسی حمایت کرده و اطلاعات مورد نیاز یک جامعه دموکراتیک را فراهم می‌نمایند. نظام آزادی‌گرا با سلطه دولتی بر مجراهای کسب و انتشار خیر مخالف است و طرفدار حاکمیت آزادی کامل بر جریان انتقال اخبار و اطلاعات در سطح ملی و بین‌المللی است. آگاه کردن، سرگرم نمودن، فروش هرچه بیشتر و استقلال مادی، از جمله کارکردها و رسالت‌های مطبوعات در نظام‌های آزادی‌گرا است.

لوونشتاین هم‌چنین، تعریفی از نظام آزادی‌گرا ارائه می‌دهد و می‌گوید: یک نظام آزادی‌گرای کامل، نظامی است که در آن روزنامه‌ها، مطبوعات دوره‌ای، کتابها و رادیو و تلویزیون، دارای استقلال مطلق و توان انتقاد باشند به جز در موارد قانونی هتک حرمت و افترا. مطبوعات در چنین نظامی دارای مالکیت متمرکز نیستند.

## ۳. نظام مسؤلیت اجتماعی

بروز انتقاداتی علیه نظام آزادی‌گرا، به‌خصوص در مورد انحصار وسایل ارتباطی در دست سرمایه‌داران بزرگ و گزارش بسیار مهمی که «کمسیون آزادی مطبوعات دانشگاه شیکاگو» در سال ۱۹۴۷ منتشر کرد، از جمله علل عقب‌نشینی نظریه آزادی‌گرا به نفع نظریه مسؤلیت اجتماعی بود. نظریه مسؤلیت اجتماعی بر پایه این فرض بنا شده که «آزادی» همیشه تعهداتی را به همراه دارد و مطبوعات که در جامعه دارای موقعیت ویژه‌ای هستند، باید در مقابل جامعه مسؤول باشند. تا آنجا که مطبوعات مسؤولیت خود را درک می‌کنند، نظام آزادی‌گرا کفایت می‌کند، ولی وقتی مطبوعات، رسالت خود را نادیده گرفتند، لازم است نهادی بر اعمال مسؤولیت اجتماعی آنها

### ■ آگاه‌سازی و خدمت به

### سیستم سیاسی از طریق فراهم

### نمودن اطلاعات و امکان بحث و

### مناظره در مورد موضوعات

### عمومی و نظارت بر اعمال

### حکومت از جمله کارکردهای

### مطبوعات در نظام مسؤولیت

### اجتماعی است.

نظارت داشته باشد. این نهاد باید متشکل از خود روزنامه‌نگاران باشد و دولت در تشکیل و یا انحلال آن هیچ نقشی نداشته باشد.

کارکردهایی که در نظام مسؤولیت اجتماعی به مطبوعات نسبت داده شده، چندان با کارکردهای مطبوعات در نظام آزادی‌گرا متفاوت نیست.

آگاه‌سازی و خدمت به سیستم سیاسی از طریق فراهم نمودن اطلاعات و امکان بحث و مناظره در مورد موضوعات عمومی، هم‌چنین، مراقبت از حقوق فردی از طریق نظارت بر اعمال حکومت از جمله کارکردهای مطبوعات در نظام مسؤولیت اجتماعی است.

فراهم نمودن امکانات سرگرمی، حفظ استقلال مالی به منظور جلوگیری از اعمال فشار گروه‌های خاص و خدمت به نظام اقتصادی از طریق تبلیغات راه می‌توان از دیگر کارکردهای مطبوعات در این نظام دانست.

یکی از مهم‌ترین مشخصات نظام مسؤلیت اجتماعی، پای‌بندی به اصول اخلاقی حرفه روزنامه‌نگاری است که در واقع جانشین قوانین مطبوعاتی نظام آزادی‌گرا می‌شود. به‌طور کلی، شالوده نظام مسؤلیت اجتماعی را شکل‌های صنفی و اصول حرفه‌ای، تشکیل می‌دهد.

#### ۴. نظام کمونیستی

در نظام کمونیستی، نظریه آزادی‌گرا، به‌عنوان محصول فرهنگی سرمایه‌داری غرب شناخته می‌شود که نسبت به نیازها و مشکلات کشورهای در حال توسعه و سوسیالیست بسی توجه است. مفهوم کمونیستی اداره مطبوعات بر این عقیده است که مطبوعات، در کشورهای سرمایه‌داری، در خدمت خواستها و

#### ■ در نظام کمونیستی،

**مطبوعات به عنوان ابزار مورد**

**استفاده قرار می‌گیرند.**

**ابزارهایی که می‌توان از آنها در**

**جهت تبلیغ، تهییج،**

**سازماندهی، اتحاد و یکپارچگی**

**و تکمیل قدرت حزب و حکومت**

**استفاده کرد.**

نیازهای طبقه حاکم هستند و آزادی موجود در این کشورها، آزادی واقعی نیست. زیرا به عقیده لنین - یکی از نظریه‌پردازان نظام کمونیستی - در جامعه‌ای که بر پایه پول بنا شده باشد، آزادی از پول غیرممکن است.

در نظام کمونیستی، مطبوعات به عنوان ابزار مورد استفاده قرار می‌گیرند. ابزارهایی که می‌توان از آنها در جهت تبلیغ، تهییج، سازماندهی، اتحاد و یکپارچگی و تکمیل قدرت حزب و حکومت، استفاده کرد.

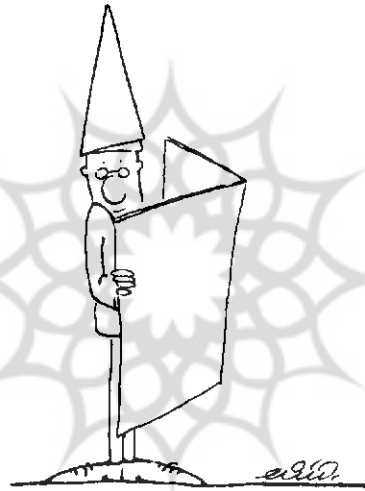
اصول حرفه‌ای روزنامه‌نگاری نیز در نظام کمونیستی، دارای ویژگی‌هایی است. در حالی که در نظام‌های آزادی‌گرا، «خبر»، «رویدادهای جدید» تعریف می‌شود، نظام کمونیستی، «خبر» را «تفسیری از فرایندهای اجتماعی» می‌داند.

مالکیت مطبوعات در نظام‌های کمونیستی در دست دولت است. روزنامه‌ها با کادر تحریری اندکی اداره می‌شوند. مدیران از طرف

حزب حاکم منصوب می‌شوند و مطالب روزنامه‌ها در راستای اهداف دولت و حاکمیت است.

#### ۵. نظام توسعه‌ای

مفهوم توسعه‌ای اداره مطبوعات را می‌توان عکس‌العمل کشورهای جهان سوم در قبال غرب و رسانه‌های فراملی آن دانست. این مفهوم که شکل جدید و به عبارتی تکامل یافته مفهوم آمرانه است، به همان اندازه که به مفاهیم کمونیستی اداره مطبوعات پای‌بند است، از اندیشه‌های دانشمندان علوم اجتماعی غرب هم که به نقش وسایل ارتباط جمعی در ساختار ملی کشورهای تازه استقلال یافته اشاره کرده‌اند، الهام گرفته است.



در کشورهای در حال توسعه، برای مطبوعات، وظایف کمک به سازندگی و توسعه اقتصادی، جنگ علیه بی‌سوادی و فقر، دادن آگاهی‌های سیاسی و کوشش در راه احیای فرهنگ و زبان ملی در نظر گرفته شده است. برای رسیدن به این اهداف، لازم است که مطبوعات از هرگونه چالشی با قدرت خودداری کرده و از آن حمایت کنند. زیرا، به زعم هواداران این نظریه، رسیدن به اهداف مذکور، از آزادی‌های فردی و سیاسی مهم‌تر است.

این دیدگاه به مشکل بزرگ فراروی جهان که همانا شکاف عمیق بین کشورهای فقیر و غنی است توجه دارد و می‌کوشد این شکاف را به وسیله همراهی مطبوعات با دولت، پر کند.

#### ۶. وضعیت اداره مطبوعات در ایران از آغاز

#### تا پیروزی انقلاب اسلامی

در ایران، مطبوعات در دربار قاجار و در دامان استبداد، متولد شدند و ۷۰ سال در چنین فضایی به زندگی، ادامه دادند. تا انقلاب مشروطیت، مطبوعات، همچنان در انحصار دولت باقی ماندند و مطبوعات خصوصی و غیردولتی، امکان انتشار نیافتند.

بعد از پیروزی نهضت مشروطه، چند روزنامه خصوصی توسط برخی افراد منتشر شدند. این روزنامه‌ها را، تنی چند از افراد پرشور و تحت تأثیر حال و هوای انقلاب، انتشار دادند و سرانجام، استبداد محمدعلی شاه، عرصه را بر آنان و به‌طور کلی بر آزادی مطبوعات، بست.

سال پیروزی انقلاب مشروطه (۱۳۲۴ هجری قمری)، سال تدوین نخستین مقررات حقوقی بنیادی مطبوعات ایران نیز هست. زیرا به موجب اصل ۱۳ قانون اساسی، روزنامه‌نگاران اجازه یافتند که مذاکرات مجلس را منعکس و در امور مملکت، صلاح‌اندیشی نمایند، انتقاد کنند و نظراتشان را درباره امور کشور مطرح سازند. ممنوعیت سانسور، مورد تصریح قرار گرفت و سپس برای تطبیق این اصل با اصول اسلامی، در اصل ۲۰ متمم قانون اساسی، که سال بعد به تصویب رسید، پیش‌بینی شد که عامه مطبوعات غیراز کتب ضلال و مواد مضره به دین مبین، آزاد هستند و ممیزی در آنها ممنوع است.

نخستین قانون منسجم و کامل مطبوعات ایران که بر مبنای اصل ۲۰ متمم قانون اساسی به تصویب مجلس شورای ملی رسید، قانون مطبوعات مصوب سال ۱۳۲۶ هجری قمری بود. این قانون، رسماً نظام صدور امتیاز برای انتشار مطبوعات را پیش‌بینی نکرده بود و فقط مطبوعات موظف به ارسال اظهارنامه‌ای، حاوی نام و نشان روزنامه، مدیر آن و نیز چاپخانه، به وزارت داخله شدند. با این کار، روزنامه می‌توانست منتشر شود، اما در عمل، ناشر روزنامه ناگزیر بود تعهدی مبنی به اجرای قانون به دولت بسپارد. بدین ترتیب گرچه ظاهراً، لزوم اخذ مجوز در این قانون تصریح نشده بود ولی عملاً به بهانه گرفتن التزام، مساله صدور امتیاز نیز حفظ شد. بدین ترتیب گرچه وزارت انطباعات که تا پیش از انقلاب مشروطه بر کار مطبوعات نظارت داشت، منحل شده بود، پس از مشروطیت نیز مساله صدور امتیاز در عمل به قوت خود باقی ماند.

نظام مطبوعاتی در زمان سلطنت رضاشاه به‌طور کامل با ویژگی‌های نظام آمرانه مطابقت داشت. زیرا انتشار مطبوعات با شرط تأیید و تصویب هیأت وزیران امکان‌پذیر شد. بعد از تأیید نیز سپردن تعهد و التزام، اجباری بود. در این دوره، شهربانی به‌طور کامل بر مندرجات روزنامه‌ها نظارت می‌کرد و مدیران بدون اجازه شهربانی حق چاپ هیچ مطلبی را نداشتند. این دخالت، تنها محدود به مطالب خبری و تفسیری روزنامه‌ها نبود، بلکه آگهیها و اعلانات را هم در برمی‌گرفت. معمولاً لیستی از موضوعاتی که نباید به آنها پرداخته شود، وجود داشت و به اطلاع مدیران جراید می‌رسید. حاصل این‌گونه دخالت‌ها این بود که عمده مطالب روزنامه‌ها یکسان بود. حتی در مواردی دستور داده می‌شد که تیتراها تغییر پیدا نکنند.

با پیش آمدن وقایع شهریور ۱۳۲۰، رضاخان به نفع پسرش محمدرضا، از سلطنت کناره‌گیری و به خارج از ایران فرار کرد. با فرار دیکتاتور، زندانیان سیاسی که گروهی مدیران

جراید هم در میان آنها بودند، آزاد شدند. شاید به این ترتیب، حرفه روزنامه‌نگاری توانست از زیربار یک قرن نظام آمرانه شانه خالی کرده، نفسی تازه کند، ولی رسوبات دیکتاتوری آن‌چنان برذهن‌ها نشسته بود که رویای آزادی نیز، آسان به ذهن نمی‌آمد. گذشته از آن در تمام سال‌های بین شهریور ۱۳۲۰ تا ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، دولت از هر فرصت ممکن و از هر بهانه‌ای برای کنترل مطبوعات استفاده می‌کرد. اما به سبب رشد جنبش ملی ایران، کمتر موفق می‌شد اختناق مطبوعاتی مورد نظرش را به عمل نزدیک کند. در مجموع، این دوره، دوره برخورداری مطبوعات از آزادی نسبتاً مطلوب قلم و نشر افکار بود. اگرچه با وجود لزوم گرفتن امتیاز برای انتشار، توقیف‌های سراسری و موردی مکرر، کشته شدن محمد مسعود و چند روزنامه‌نگار و نویسنده دیگر، مسلماً نمی‌توان نظام حاکم بر مطبوعات این دوره را، نظام آزادی‌گرا دانست. به نظر می‌رسد علت این که در تقسیم‌بندی‌های تاریخی مطبوعات، این دوره را جزو دوره‌های

#### جدول شماره ۱

۵۶ گویه مورد توافق دو گونه روزنامه‌نگاران

به ترتیب میانگین نمرات استاندارد

کد	نوع نظام	گویه‌های مورد توافق دو گونه	میانگین نمرات Z
۱۰	توسمه‌ای	مطبوعات باید در حفظ هویت فرهنگی و زبان ملی مشارکت داشته باشند.	۱/۶۹
۱۳	مسئولیت اجتماعی	هدف از انتشار روزنامه باید اطلاع‌رسانی و آموزش و کمک به پیشرفت و توسعه اجتماعی باشد.	۱/۲۵
۶۵	توسمه‌ای	مطبوعات باید با استناد داخلی و خارجی در ایجاد سیاسی و فرهنگی مقابله کنند.	۱/۲۲
۴۸	مسئولیت اجتماعی	نهادی متشکل از خود روزنامه‌نگاران (بدون دخالت دولت) باید بر اعمال مسئولیت اجتماعی توسط مطبوعات نظارت داشته باشد.	۱/۲۰
۳۷	آزادی‌گرا	اعتبار مالکیت و حریم خصوصی افراد باید توسط مطبوعات حفظ شود. در صورت تجاوز به حقوق دیگران، مطبوعات باید با عواقب قانونی آن روبرو شوند.	۱/۱۷
۳۳	مسئولیت اجتماعی	مطبوعات باید جایگاهی برای طرح نقطه‌نظرات گوناگون بوده و نباید نسبت به بی‌آمدهای کار خود بی‌تفاوت باشند.	۱/۱۵
۵۳	مسئولیت اجتماعی	کافی نیست که مطبوعات یک رویداد را صحیح و عینی به مردم گزارش کنند. بلکه لازم است حقایق را هم در تفسیر و تحلیل آن رویداد به اطلاع مردم برسانند.	۱/۱۲
۵۲	آزادی‌گرا	روزنامه‌نگاران نباید در کسب و جمع‌آوری اخبار، با هیچ محدودیتی روبرو باشند.	۱/۱۲
۲۸	مسئولیت اجتماعی	اصولاً چارچوب قوانین مطبوعاتی باید حافظ کثرت‌گرایی باشد و هر کس را قادر به کسب اطلاعات و عقاید از منابع گوناگون و انتخاب آزادانه از میان آنها کند.	۱/۲۲
۲۲	آزادی‌گرا	مطبوعات باید در شکل‌گیری بازار آزاد اندیشه بکوشند تا از تضارب آرا و اندیشه‌ها حقیقت روشن شود.	۱/۱۱
۵۴	کمونیستی	مطبوعات ابزارهایی برای اتحاد و یکپارچگی مردم هستند.	۱/۰۷
۵۹	کمونیستی	رسانه‌ها موظف به هنجارسازی، آموزش، اطلاع‌رسانی و وسیع عمومی هستند.	۱/۰۴
۱۸	مسئولیت اجتماعی	عقاید مردم رفتار مخاطبان و اصول حرفه‌ای، ابزارهای کنترل مطبوعات هستند.	۱

آزادی مطبوعات به حساب می‌آورند، عدم وجود یک نهاد متمرکز به‌منظور سانسور قبل از انتشار باشد و چنان‌که در مورد نشریات منتشره بعد از پیروزی انقلاب مشروطه نیز صادق است، این آزادی در مقایسه با دوره‌های اختناق قبل و بعد است، نه در مقایسه با آزادی مطبوعات در نظام‌های آزادی‌گرا.

کودتای آمریکایی سال ۱۳۳۲ که موجبات سرنگونی دولت مصدق و بازگشت محمدرضا شاه به سلطنت را فراهم کرد، بر مطبوعات ایران تأثیری بی‌چون و چرا گذاشت. شاه در آغاز با دستگیری و شکنجه و کشتن چند روزنامه‌نگار، از مطبوعات انقلابی زهرچشم گرفت و از طرفی با تطمیع روزنامه‌نگاران قلم به مزد، مطبوعات را از مدح و ثنای خود انباشت. از طرف دیگر، راه کارهای قانونی برای اقدامات سرکوبگرانه خود یافت و با ملغی کردن قانون مطبوعات مصوب در دوره دکتر مصدق، قانون به اصطلاح موقتی را در یک جلسه غیرعلنی مجلس به تصویب رساند که بر طبق آن امتیاز صدها نشریه تمدید نشد و به متقاضیان تازه‌ای امتیاز داده شد که رژیم و در واقع ساواک به آنها اطمینان و اعتماد کامل داشت. در دهه اول سلطنت محمدرضا شاه، حتی سانسور مستقیم نیز به دست فردی به نام «محرملی‌خان» اعمال می‌شد. حاصل چنین نظارتی، پدیده‌ای بود به نام خودسانسوری، جو فشار و اختناق، تهدیدها و تنبیه‌ها و رعایت ملاحظاتی، قانون نانوشتن‌های را بر ذهن روزنامه‌نگار حاکم می‌ساخت که خطر آن کمتر از سانسور نبود.

به‌طور کلی، مطبوعات ایران در دوره سلطنت محمدرضا پهلوی، دارای ویژگی‌هایی بود که برخی از آنها با ویژگی‌های نظام آمرانه و برخی دیگر با ویژگی‌های نظام کمونیستی مطابقت داشت. هر چه بود، نظام حاکم بر مطبوعات ایران، چه در دوره سلطنت پهلوی‌ها و چه قبل از آن، بویی از آزادی‌گرایی نبرده بود. و در مقاطعی هم که فشار در داخل کشور بیشتر بود، مطبوعات انقلابی خارج از کشور در کاربراندازی حکومت‌های آمرانه بودند.

#### سؤال تحقیق

با توجه به مبانی نظری و منابع مورد بررسی، سؤال تحقیق به این صورت مطرح می‌شود:

«نظام مطبوعاتی مطلوب روزنامه‌نگاران



ایرانی چیست و چه ویژگی‌هایی دارد؟»

### روش تحقیق

برای رسیدن به پاسخ سوال این تحقیق در مورد ویژگی‌های نظام مطبوعاتی مطلوب از دیدگاه روزنامه‌نگاران ایرانی، از روش تحقیق<sup>۲</sup>Q استفاده شد. روش کیو، تکنیکی است تحقیقی که برای رتبه‌بندی گویه‌های مورد بررسی انجام می‌گیرد. بعد از بررسی منابع، از هر نظام، ۱۳ گویه و در مجموع ۶۵ گویه، از میان بایدها و نبایدهای این نظام‌ها برای فعالیت‌های مطبوعاتی، استخراج شد و با استفاده از مقیاس هفت درجه‌ای لیکرت، پرسشنامه‌ای تهیه و در اختیار بیست تن از روزنامه‌نگاران گذاشته شد که حداقل دارای ده سال سابقه کار مطبوعاتی بودند، با این فرض که این روزنامه‌نگاران، با شناختی که از وضعیت موجود دارند، قادرند که دیدگاه‌های خود را در مورد وضعیت مطلوب بیان کنند.

نتایج پژوهش با استفاده از برنامه کامپیوتری «کوانل» استخراج گردید و روزنامه‌نگاران پاسخگو براساس نظراتشان راجع به نظام‌های مورد بررسی، به دو گونه ۱۱ و ۹ نفری تقسیم شدند. برای هر دو گونه خواننده، نمرات استاندارد<sup>۲</sup> محاسبه شد. تفاوت نمرات استاندارد بیش از ۱+ و یا کمتر از ۱-، به عنوان معیار تمایز بین دو گونه روزنامه‌نگار در نظر گرفته شد. بنابراین هر گویه که دارای نمره استاندارد بیشتر از ۱+ است،

بیانگر موافقت بیشتر و نمره استاندارد هر گویه که کمتر از ۱- است، دلالت بر مخالفت بیشتر دارد. در جایی که تفاوت نمرات استاندارد دو گونه بین ۱+ و ۱- است، تفاوت محسوسی بین نظرات دو گونه روزنامه‌نگار وجود ندارد. این گویه‌ها را «گویه‌های مورد توافق» می‌نامیم. گویه‌هایی که تفاوت نمرات استاندارد دو گونه در مورد آنها بیشتر از ۱+ و یا کمتر از ۱- باشد «گویه‌های مورد اختلاف» نامیده می‌شوند. توجه به جداول گویه‌های مورد توافق و مورد اختلاف، می‌تواند به روشن شدن موضوع کمک کند. دو گونه روزنامه‌نگار، بر روی مفهوم ۵۶ گویه با یکدیگر اتفاق نظر دارند و در مورد ۹ گویه دارای اختلاف نظر هستند.

### نگاهی به یافته‌های تحقیق

#### ۱. گویه‌های مورد توافق

از خلال یافته‌های تحقیق که با مطالعه دو جدول گویه‌های مورد توافق و گویه‌های مورد اختلاف دو گونه روزنامه‌نگار، به دست می‌آید، می‌توان نظام مطلوب مطبوعات را از نگاه آنان، باز شناخت.

در واقع می‌توان گفت که نظام مورد علاقه روزنامه‌نگاران ایرانی، «بایدها» و «نبایدها» و به‌طور کلی، هنجارهای خود را از ویژگی‌های چهار نظام از پنج نظام مورد بررسی در این پژوهش می‌گیرد، اما طبیعی است که «بایدها»های آن به اصول برخی از این نظام‌ها نزدیک‌تر است و در نتیجه، «نبایدها»های آن نیز، با مبانی برخی از نظام‌های دیگر همخوانی بیشتری دارد.

الف. براین اساس، در زمینه وظایف و رسالت‌های مطبوعات، می‌توان گفت که هر دو گونه روزنامه‌نگار، معتقدند مطبوعات باید در حفظ هویت فرهنگی و زبان ملی مشارکت داشته و با استبداد داخلی و استعمار خارجی مقابله کنند.

اگر استبداد داخلی را زمینه‌ساز ورود و استقرار و در مواردی هم معلول استعمار خارجی بدانیم و اگر استیلای فرهنگی را به‌عنوان یکی از حربه‌های مهم و اساسی نظام سلطه بشناسیم، هوشیاری و واقع‌بینی اقتضا می‌کند که روزنامه‌نگاران نسبت به تحکیم مبانی فرهنگی و مقابله با استبداد و استعمار، حساس باشند. هر دو گونه روزنامه‌نگار هم‌چنین، آموزش،

آگاهی‌رسانی، کمک به پیشرفت و توسعه اجتماعی. بسیج عمومی، سازندگی ملی، مبارزه با فقر و بیسوادی و نیز دادن آگاهی‌های سیاسی را از جمله وظایف و رسالت‌های مطبوعات می‌دانند، زیرا در کشورهای روبه توسعه، با توجه به درصد بالای بیسوادی، فقر آموزش و اطلاعات، اختلال بسیاری از حکومت‌ها در جریان خبررسانی و هوشیارسازی اجتماعی و نیز وجود موانع فکری و ساختاری دیگر بر سر راه توسعه فراگیر، مطبوعات و روزنامه‌نگاران، مسؤلیت سنگین تری به عهده دارند.

در عین حال روزنامه‌نگاران هر دو گونه، شرایطی را برای فعالیت حرفه‌ای خود مطلوب می‌دانند که در آن، افراد و احادانسانی، آبروی شخصی، حریم زندگی خصوصی و مالکیت خود را در معرض تهدید نبینند. این امر نشان می‌دهد که روزنامه‌نگاران مزبور با مطبوعات فحاش، هتاک، پرده‌در و بی‌توجه به حقوق فردی انسانها و نیز مطبوعاتی که مصونیت اقلیت‌های نژادی، قومی، مذهبی و سیاسی را از هرگونه تعرض به رسمیت نشناسند، میانه‌ای ندارند.

هم‌چنان که در بخش قبل نیز عنوان شد، روزنامه‌نگاران هر دو گونه، «آزادی» همراه با «مسئولیت» را برای فعالیت خود ضروری می‌دانند و معتقدند که آزادی قلم و بیان یا به‌طور کلی، آزادی مطبوعات باید تأمین گردد. اما مطبوعات نیز باید نسبت به پی‌آمدهای عملکرد خود حساس و نگران باشند.

در زمینه وظایف مطبوعات، روزنامه‌نگاران مزبور با اعلام توافق نسبت به مفاد این گویه که: «کافی نیست مطبوعات یک رویداد را صحیح و عینی به مردم گزارش کنند. بلکه لازم است حقایقی را هم در تفسیر و تحلیل آن رویداد به اطلاع مردم برسانند»، نقش‌ها و کارکردهای جدیدی را که به ویژه، پس از فراگیر شدن رسانه‌های الکترونیک، از سوی صاحب‌نظران برای مطبوعات مطرح می‌شود، مورد تأکید و تأیید قرار می‌دهند. به این ترتیب، آنها خبررسانی صرف را وظیفه مطبوعات نمی‌دانند، بلکه حرکت به طرف لایه‌های زیرین خبر، تشریح علت و معلول‌ها و واقعیت‌های پشت پرده و آثار و نتایج رویدادها را نیز، از جمله مسؤلیت‌های امروز مطبوعات می‌شناسند، زیرا تنها از این طریق می‌توان «آگاهی» واقعی به مردم داد و آنها را در درک و

شناخت واقعیت‌ها کمک کرد.

یکی دیگر از سازکردها و وظایف مطبوعات از نگاه دو گونه روزنامه‌نگار، فراهم آوردن بستری برای عرضه و برخورد دیدگاه‌های گوناگون است. چرا که در غیر این صورت، طیفی از اندیشه‌های قالبی و یکدست که اغلب به کانونهای قدرت نزدیک‌ترند، به عنوان اندیشه برتر و مسلط، زمینه را بر بروز خلاقیت‌ها، روشن شدن حقایق و در نهایت کمک به رشد و توسعه اجتماعی، تنگ خواهند کرد. روزنامه‌نگاران مزبور، در عین حال معتقدند که مطبوعات، در شکل دادن به عرصه آزاد اندیشه و ایجاد بستر برخورد آرا و اندیشه‌ها، باید حد و مرزهایی را رعایت کنند. بر این اساس، آنان معتقدند: «انتشار مطالب و اطلاعاتی که از نظر اجتماعی زیان‌بار است و نیز تخطی از حقوق خصوصی باید ممنوع باشد». البته قوانین مطبوعاتی نیز باید مفهوم و حدود «زیان بار» بودن اطلاعات را روشن کنند تا امکان سوء استفاده از قانون، فراهم نباشد. شرح و توصیف تضادهای اجتماعی، ایجاد چالش، حمایت از جنبش‌های پیشرو جهانی،

کمک به تحقق عدالت اجتماعی و از میان بردن سلطه سرمایه‌داری، ایجاد و حفظ پیوند با سایر کشورهای در حال توسعه که با ما مشابهت‌های فرهنگی، سیاسی، ایدئولوژیک و جغرافیایی دارند، از جمله وظایفی هستند که به اعتقاد روزنامه‌نگاران ایرانی، مطبوعات می‌باید نسبت به آنها آگاه و حساس باشند و درچارچوب عملکرد حرفه‌ای خود، آنها را رعایت کنند.

در این زمینه قانون فعلی مطبوعات، وظایف، رسالتها و حقوق مطبوعات را تا حدود زیادی مشخص کرده و از جمله اصول مترقی این قانون به شمار می‌آید. اما لازم است آزادی‌های مطبوعاتی و حقوقی که بتوانند این آزادی‌ها را تأمین و تضمین کنند در جریان بازنگری در قانون مطبوعات، مورد تأکید و تصریح بیشتر قرار گیرند.

ب. در مورد ضرورت، مسؤلیت و ویژگی‌های شکل صنفی مطبوعات باید گفت که روزنامه‌نگاران ایرانی، خواستار ایجاد این شکل توسط اعضای صنف و بدون دخالت و نظارت دولت هستند. آنها هم چنین معتقدند که نظارت بر اعمال مسؤلیت اجتماعی و رعایت

#### جدول شماره ۱ (ادامه)

کد	نوع نظام	گویه‌های مورد توافق دو گروه	میانگین نمرات Z
۶۰	توسعه‌ای	مطبوعات باید برای تحقق اهداف توسعه اقتصادی، سازندگی ملی، مبارزه با فقر و بیسوادی و دادن آگاهی‌های سیاسی بسیج شوند.	۱
۸	مسؤلیت اجتماعی	همه اقلیت‌های نژادی، مذهبی، قومی و سیاسی، باید از هر گونه، تعرض مطبوعات در امان باشند.	۱
۵۸	مسؤلیت اجتماعی	انتشار مطالب و اطلاعاتی که از نظر اجتماعی زیان‌بار است و نیز تخطی از حقوق خصوصی، باید ممنوع باشد.	۰/۹۹
۴۳	مسؤلیت اجتماعی	مدیریت مطبوعات باید انتخابی و از میان افراد حرفه‌ای و باتجربه باشد.	۰/۸۶
۳۰	توسعه‌ای	مالکیت مطبوعات می‌تواند به بخش خصوصی، دولت، احزاب و سازمانهای سیاسی تعلق داشته باشد.	۰/۸۲
۳۲	آزادی گرا	افشای اطلاعات مربوط به امنیت ملی توسط مطبوعات باید ممنوع باشد.	۰/۷۸
۶۳	مسؤلیت اجتماعی	مطبوعات باید به شرح و توصیف تضادهای جامعه‌میردازند. یعنی کارمطبوعات باید ایجاد چالش به منظور رسیدن به مرحله بحث و تبادل نظر باشد.	۰/۷۸
۴۲	آزادی گرا	هرگونه کنترل و نظارت پیش از انتشار مطبوعات نادرست است.	۰/۷۸
۵۷	آزادی گرا	پیام‌های ارتباطی باید آزادانه از خارج به داخل کشور و بالعکس انتقال یابند.	۰/۷۴
۴	کمونیستی	مطبوعات باید از جنبش‌های پیشرو جهانی حمایت کنند.	۰/۵۹
۳۹	کمونیستی	رسانه‌ها باید عهده‌دار وظیفه تحقق عدالت اجتماعی در جامعه باشند و به از بین بردن سلطه سرمایه‌داری کمک کنند.	۰/۵۶
۲۵	توسعه‌ای	مطبوعات باید در انعکاس اخبار و اطلاعات برای پیوند با سایر کشورهای در حال توسعه که از جهات فرهنگی، سیاسی، جغرافیایی و ایدئولوژیکی با کشور شباهت دارند، اولویت قائل شوند.	۰/۵۵
۲۳	مسؤلیت اجتماعی	مالکیت مطبوعات باید خصوصی باشد. اما دولت می‌تواند با دادن خدمات از کار مطبوعات حمایت کند.	۰/۵۴

- برای مطبوعات کشورهای در حال توسعه، وظایف کمک به سازندگی و توسعه اقتصادی، جنگ علیه فقر و بی‌سوادی، دادن آگاهی‌های سیاسی و کوشش در راه احیای فرهنگ و زبان ملی در نظر گرفته شده است.

- روزنامه‌نگاران ایرانی، «آزادی» همراه با «مسئولیت» را برای فعالیت خود ضروری می‌دانند.

اخلاق حرفه‌ای روزنامه‌نگاران، باید به وسیله این نهاد صورت گیرد. آنها هم چنین با این امر که رسیدگی به تخلفات و جرایم مطبوعاتی توسط سازمانهای اجرایی و مرجعی به جز دستگاه قضایی صورت گیرد، مخالفت ورزیده‌اند. به بیان دیگر به جرایم مطبوعاتی، صرفاً باید در دادگاههای قضایی رسیدگی شود.

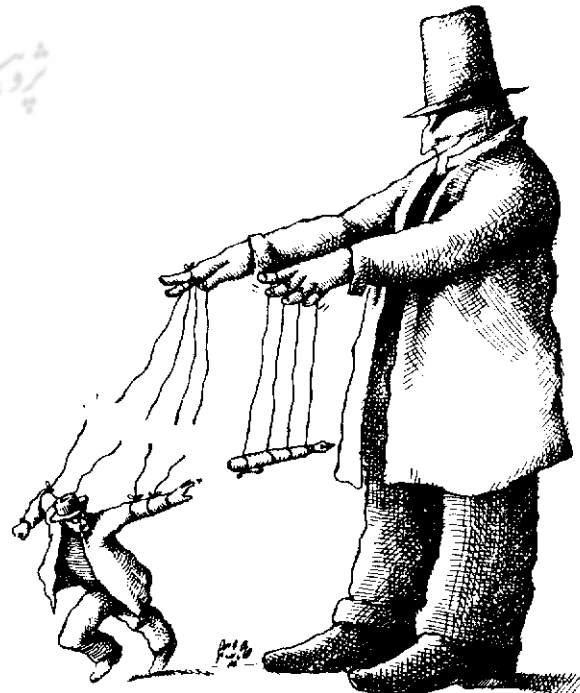
قانون فعلی مطبوعات در این زمینه، ساکت است و در هیچ جا بحثی از تشکیلات حرفه‌ای، نظام صنفی مستقل، وظایف و جایگاه آنها نیست. در پیش‌نویس سال ۱۳۷۴ نیز گرچه ضرورت تأسیس چنین تشکیلاتی مورد اشاره قرار گرفته بود ولی در نهایت، این تشکیلات را زیر نظر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی قرار می‌داد. بنابراین لازم است در تدوین قانون جدید مطبوعات، ایجاد تشکیلات صنفی و حرفه‌ای مستقل که توسط اعضای صنف به وجود می‌آید و بر اعمال مسؤلیت حرفه‌ای روزنامه‌نگاران نظارت می‌کند و نیز تأمین استقلال حرفه‌ای و امنیت شغلی روزنامه‌نگاران مورد تأکید و تضمین قرار گیرد. چه، روزنامه‌نگار فاقد استقلال و امنیت شغلی و حرفه‌ای، هرگز قادر نخواهد بود مسؤلیت اجتماعی خویش را به نحو احسن ایفا نماید. این مباحث، از مهم‌ترین اصولی‌ترین مباحثی است که می‌تواند هویت واقعی روزنامه‌نگاران را تبیین کند و شرایط مطلوب‌تری را بر فضای فعالیت‌های مطبوعاتی حاکم سازد. بنابراین پیش‌بینی و تحقق آنها در



قوانین جدید مطبوعاتی، ضرورتی انکار ناپذیر است. برای این منظور می‌توان رسیدگی به تخلفات اخلاقی روزنامه‌نگاران را به تشکیلات مستقل صنفی سپرد و محدودیت‌ها و جرایم مطبوعاتی را نیز در قوانین خاص مطبوعاتی یا قوانین جزایی پیش‌بینی کرد.

پ. روزنامه‌نگاران هر دو گونه، آزادی کسب اطلاعات و کثرت‌گرایی را به‌عنوان یک ضرورت برای بهبود فعالیت‌های مطبوعاتی می‌شناسند و معتقدند که در جمع‌آوری و کسب اطلاعات نباید با هیچ مانعی روبه‌رو باشند. این نظردر حالی مورد تأکید قرار می‌گیرد که روزنامه‌نگاران ما در زمینه جمع‌آوری، کسب و انتشار اطلاعات، با مشکلاتی روبه‌رو هستند و بنابراین تا زمانی که حق کسب خبر به وسیله آنها، توسط قانون تضمین نشود، نمی‌توان به تأمین حق کسب اطلاع مردم که از حقوق اساسی و طبیعی آنهاست، امید بست.

محدودیت امکانات جمع‌آوری اطلاعات، یکی از دلایل عمده یکسان شدن چهره مطبوعات، عدم اقبال عمومی نسبت به مطالعه آنها و تبدیل شدن بسیاری از روزنامه‌نگاران به «کارمندان مطبوعات» است به‌طوری که تحرک، کنجکاوی، پویایی، شهامت و جسارت را که جزء لاینفک شرایط این حرفه است، به حداقل رسانده است. روزنامه‌نگاران ایرانی، خواستار رفع موانع و مشکلات جمع‌آوری اخبار و اطلاعات هستند و تحقق این امر



نیازمند تغییر برخی از نگرشها و باورها، نسبت به ارزش و کارکرد «اطلاعات» است.

عدم استقلال شغلی و امنیت حرفه‌ای نیز می‌تواند، از جمله دلایل این انفعال به حساب آید. شاید به همین دلیل، روزنامه‌نگاران ایرانی، خواستار کثرت‌گرایی برای تأمین حق کسب اطلاعات و آگاهی از عقاید از منابع گوناگون و انتخاب آزادانه از میان آنها برای «همه» هستند. تنها در این حالت، انحصار آگاهی‌رسانی شکسته می‌شود و دیدگاهها و عقاید گوناگون در معرض داوری افکار عمومی قرار می‌گیرد و مردم ناگزیر نیستند تنها گوش به یک منبع داشته باشند. محدودیت کسب اطلاع و عدم کثرت‌گرایی می‌تواند منجر به تحریف اطلاعات و دستکاری در ماهیت و محتوای آن شود و حتی زمان و چگونگی عرضه اطلاعات را به دلخواه تعیین کند.

روزنامه‌نگاران ایرانی، نه تنها خواستار مطبوعات کثرت‌گرا هستند، بلکه ضرورت تأمین و تضمین این اصل را توسط قوانین مطبوعاتی مورد تأکید قرار می‌دهند. آنها همچنین معتقدند که پیام‌های ارتباطی باید آزادانه از خارج به داخل کشور و بالعکس انتقال یابند و با این امر که ورود مطبوعات خارجی به داخل کشور، تحت نظارت دولت باشد، مخالفتند.

موضوع کثرت‌گرایی و فراهم آمدن شرایطی که مردم بتوانند اطلاعات مورد نیاز خود را از منابع متعدد و دلخواه به دست آورند از جمله اصولی است که در قانون اساسی جمهوری اسلامی و به ویژه در مقدمه آن به رسمیت شناخته شده و قانون مطبوعات فعلی نیز مخالفتی با آن ندارد، تنها باید شرایط عینی تحقق آن نیز فراهم شود. در سالهای اخیر، تعدد و تنوع نشریات منتشره، تا حدود زیادی به تحقق این امر در کشور ما کمک کرده است، ولی در عین حال لازم است این اصول در قانون مطبوعات نیز مورد تأکید و تصریح قرار گیرد، زیرا در عین حال یکی از ابزارهای تأمین استقلال و امنیت شغلی و حرفه‌ای روزنامه‌نگاران نیز هست. در این صورت روزنامه‌نگاران قادر خواهند بود که متناسب با تشخیص و تمایل خود، نوع و محل کار خویش را در مطبوعات انتخاب کنند و الزام اجباری از این حیث در کار نخواهد بود.

ت. حقوق و روابط متقابل دولت و مطبوعات، همواره مورد بحث‌ها و

کشمکش‌های فکری میان طرفداران و مخالفان سلطه، دخالت و نظارت دولت در امور مطبوعات بوده است. سانسور، دخالت پیش از انتشار، محدودیت‌ها و ممنوعیت‌های رسمی و غیررسمی، پرداخت یارانه، ارائه تسهیلات مالیاتی، پستی و نیز تهیه کاغذ، ضرورت اخذ مجوز یا تهدید لغو پروانه انتشار، از جمله اهرمهای کنترل و دخالت دولت در امور مطبوعات است.

روزنامه‌نگاران هر دو گونه، با دخالت دولت در محتوای مطبوعات، پیش یا بعد از انتشار (با هر هدف و بهانه‌ای)، اداره مطبوعات به وسیله دولت، هم‌چنین این امر که قانون مطبوعات امکان کنترل مستقیم دولت را بر جریان تولید پیام فراهم کند، تبلیغ برای دولت، حمایت بی‌چون و چرا از قدرت حاکم، فعالیت صرف در چارچوب سیاست حاکم، تقویت دولت به هر وسیله، رعایت ارزش سیاسی حاکم به طور کامل، عدم استقلال حرفه‌ای و نهایتاً اینکه اطلاعات جزو منابع منی با ارزش است که فقط باید در جهت تحقق اهداف درازمدت ملی مورد استفاده قرار گیرد، به شدت مخالفت ورزیده‌اند.

قانون فعلی مطبوعات گرچه در ماده چهار، هرگونه مداخله و اعمال فشار مقامات دولتی و غیردولتی را بر مطبوعات ممنوع می‌سازد ولی عملاً با پیش‌بینی‌هایی که در مورد اختیارات هیأت نظارت بر مطبوعات و صدور پروانه انتشار در این قانون وجود دارد، امکان مداخله دولت را در امور مطبوعات، فراهم می‌سازد و این موضوعی است که در تهیه قانون جدید مطبوعات باید به‌طور جدی مورد مذاکره قرار گیرد. به علاوه، در قانون مطبوعات فعلی، برخلاف لایحه قانون مطبوعات مصوب شورای انقلاب، مجازات سانسور هم پیش‌بینی نشده است.

ث. در زمینه مدیریت و مالکیت مطبوعات، می‌توان گفت که روزنامه‌نگاران ایرانی با تعیین مدیران انتصابی برای مطبوعات مخالفتند و مناسب‌ترین شیوه را انتخاب مدیر از میان افراد حرفه‌ای و باتجربه و توسط خود روزنامه‌نگاران می‌دانند. آنها مالکیت مطبوعات را حق مشترک بخش خصوصی، دولت و احزاب و سازمانهای سیاسی می‌دانند، اما در عین حال معتقدند آنجا که مطبوعات خصوصی هستند، دولت باید با دادن خدمات، آنها را حمایت کند.

جدول شماره ۱ (ادامه)

کد	نوع نظام	گویه‌های مورد توافق دو گونه	میانگین نمرات Z
۴۴	کمیونیستی	تعقیب و مجازات مطبوعات متخلف پس از انتشار آزادی طبیعی و حق حکومت است	۰/۴۸
۲۴	کمیونیستی	یکی از کارکردهای عمده مطبوعات افشاگری علیه کسانی است که قصد ضربه زدن به حکومت را دارند.	۰/۳۰
۱۷	آزادی گرا	مهم ترین رسالت مطبوعات (نظارت بر اعمال دولتمردان) است.	۰/۱۹
۳۸	مسئولیت اجتماعی	مسئولیت اجتماعی مطبوعات مهم تر از آزادی آن است.	۰/۱۵
۵	توسعه‌ای	اطلاعات جزء منابع ملی با ارزش است. بنابراین فقط باید در جهت تحقق اهداف درازمدت ملی مورد استفاده قرار گیرد.	۰/۱۵
۳۴	کمیونیستی	مطبوعات باید با ارائه تفسیرهای عقیدتی گامی در جهت مکتبی کردن جامعه بردارند.	۰/۳۴
۴۶	آمرانه	مطبوعات باید از همه توان خود برای پیشبرد برنامه‌ها و سیاستهای دولت استفاده کنند.	۰/۲۴
۴۵	توسعه‌ای	تنها کسانی که صلاحیت علمی و اخلاقی آنان در چارچوب قوانین موجود مورد تایید قرار بگیرد، می‌توانند نشریه‌ای منتشر کنند.	۰/۳۶
۵۰	توسعه‌ای	مطبوعات باید اهداف عمومی را که به وسیله مدیریت سیاسی جامعه تعریف و تبیین می‌شود در اولویت کار خود قرار دهند.	۰/۳۷
۳۶	آمرانه	روزنامه‌نگار نمی‌تواند به عنوان یک فرد در حرفه خویش به طور مستقل عمل کند.	۰/۳۷
۲۰	توسعه‌ای	اولویت‌های اقتصادی و نیازهای توسعه‌ای جامعه، حدود آزادی مطبوعات را تعیین می‌کند.	۰/۴۶
۳۱	آمرانه	ارزندهای سیاسی حاکم باید به طور کامل توسط مطبوعات پذیرفته و رعایت شود.	۰/۴۸
۱۲	کمیونیستی	مطبوعات باید دولت حاکم را به هر وسیله ممکن تقویت کنند.	۰/۶۰
۱	آمرانه	مطبوعات باید در چارچوب سیاست حاکم فعالیت کنند.	۰/۶۳
۵۵	توسعه‌ای	مطبوعات باید از قدرت حاکم حمایت کنند، نه اینکه با آن به مبارزه برخیزند، زیرا در این صورت اغتشاش و هرج و مرج جایگزین قدرت خواهد شد.	۰/۶۶
۲۱	آمرانه	دادن سوسیالیزم، گرفتن مالیات و لغو مجوز، از جمله اهرم‌های دولت برای کنترل مطبوعات است.	۰/۹۲
۱۱	آمرانه	ورود مطبوعات خارجی به داخل کشور باید تحت کنترل و نظارت دولت باشد.	۰/۹۴
۶۱	آمرانه	اعمال کنترل بر مطبوعات توسط دولت اجتناب ناپذیر است.	۱/۰۲
۶۲	آزادی گرا	فقط داشتن توان مالی برای راه اندازی یک نشریه کافی است.	۱/۱۰
۴۰	توسعه‌ای	دولت می‌تواند به نفع اهداف توسعه، در فعالیت مطبوعات مداخله و آن را محدود نماید.	۱/۱۵
۴۹	کمیونیستی	وظیفه مطبوعات تهییج و سازماندهی مردم در جهت تبلیغ برای دولت است.	۱/۲۳
۲۶	آمرانه	دولت باید بر ایجاد و عملکرد تشکلهای صنفی مطبوعات نظارت داشته باشند	۱/۲۶
۶	آمرانه	رسیدگی به تخلفات مطبوعاتی می‌تواند از طریق سازمانهای اجرایی و خارج از دستگاه قضایی صورت گیرد.	۱/۲۸
۱۵	توسعه‌ای	مدیریت سیاسی جامعه، حق تعیین مدیریت مطبوعات را دارد.	۱/۳۶
۶۴	کمیونیستی	نظام حاکم بر جامعه حق دارد به نفع اهداف مورد نظر خود مطبوعات را سانسور و در کار آنها مداخله کند.	۱/۴۵
۴۱	آمرانه	انتصاب گردانندگان مطبوعات می‌تواند از سوی مدیریت سیاسی جامعه انجام گیرد.	۱/۴۶
۱۶	آمرانه	قانون مطبوعات باید امکان کنترل مستقیم دولت را بر جریان تولید پیام فراهم کند.	۱/۶۰
۲۹	کمیونیستی	مطبوعات باید به وسیله دولت یا حزب اداره شوند.	۱/۶۵
۱۹	کمیونیستی	مطبوعات باید در خدمت خواسته‌ها و تحت کنترل نظام حاکم بر جامعه باشند.	۱/۶۶
۹	کمیونیستی	حکومت حق دارد در محتوای مطبوعات قبل از انتشار دخالت کند.	۱/۷۵

به طور کلی قانون مطبوعات می‌بایست حق روزنامه‌نگاران حرفه‌ای و با سابقه را در انتخاب مدیریت تحریری و اداری و مالی مطبوعات و نیز مشارکت اعضای تحریریه‌ها را در مالکیت مطبوعات به رسمیت بشناسد و شرایط تحقق آن را فراهم سازد. بنابراین ضرورت تغییر قانون مطبوعات در این زمینه نیز کاملاً احساس می‌شود.

۲. گویه‌های مورد اختلاف

همان طور که در بخش قبل گفته شد، از میان ۶۵ گویه مورد ارزیابی، روزنامه‌نگاران هر دو گونه، تنها بر سر ۹ گویه با یکدیگر اختلاف نظر دارند. موضوع نیاز به اخذ پروانه انتشار برای متقاضیان، بیشترین اختلاف نظر روزنامه‌نگاران مزبور را برانگیخته است. به طور کلی، ۵ گویه از ۹ گویه مورد اختلاف، به موضوع «چگونگی انتشار» مطبوعات اشاره دارد. مطالعه این گویه‌ها در جدول گویه‌های مورد اختلاف، نشان می‌دهد که دو گونه روزنامه‌نگاران، تنها بر سر عدم نیاز به اخذ پروانه انتشار با هم اختلاف نظر ندارند بلکه، وقتی سخن از ضرورت کسب مجوز رسمی یا پروانه انتشار یا حق لغو مجوز توسط دولت نیز مطرح می‌شود، نمی‌توانند با یکدیگر به توافق برسند.

این امر، مبین نوعی سرگردانی، بلاتکلیفی و عدم ايقان حاکم بر ذهن روزنامه‌نگاران است. شاید عدم آشنایی و آگاهی نسبت به شرایط انتشار مطبوعات در نظام‌ها و کشورهای مختلف و مزایا و کاستی‌های هر کدام و نیز تجربه نکردن شرایط آزاد انتشار مطبوعات، در شکل‌گیری چنین ذهنیتی در روزنامه‌نگاران مزبور، تأثیر داشته باشد. بنابراین، می‌توان گفت که روزنامه‌نگاران ایرانی به حالت «میانه‌ای» که در آن هم حق افراد برای انتشار مطبوعات و آزادی فعالیت‌های مطبوعاتی محفوظ بماند و هم بی‌بندوباری بر آن حاکم نباشد، بیشتر گرایش دارند.

دو گونه روزنامه‌نگاران، هم چنین بر سر این موضوع که سودآوری و فروش هرچه بیشتر می‌تواند از جمله اهداف مطبوعات باشد، با یکدیگر اختلاف نظر دارند.

مورد دیگری که روزنامه‌نگاران نتوانسته‌اند بر سر آن به توافق برسند این است که: «مدیریت مطبوعات می‌تواند متعلق به مالک نشریه باشد یا توسط او تعیین شود.» به عبارت

جدول شماره ۲  
 ۹ گویه مورد اختلاف دو گونه روزنامه نگاران  
 به ترتیب میانگین نمرات استاندارد

کد	نوع نظام	توصیف مضامین گویه‌ها	گروه ۱	گروه ۲	تفاوت گروه ۱ و ۲
۷	آزادی‌گرا	برای انتشار مطبوعات، احتیاج به اخذ هیچگونه مجوز و پروانه انتشار نیست	۰/۸۲۰	-۱/۳۰۱	۲/۱۲۰
۲۷	آزادی‌گرا	هیچ نوعی محدودیتی نباید بر مطبوعات اعمال شود. چه پیش از انتشار و چه پس از انتشار	۰/۷۸۷	-۰/۸۲۰	۱/۶۲۷
۱۲	آزادی‌گرا	انتشار هر مطلب، تصویری و تفسیری، تحت هر شرایطی باید آزاد باشد	۰/۰۳۲	-۱/۰۸۲	۱/۰۵۱
۳	مسئولیت اجتماعی	هر کس حرفی برای گرفتن داردمی تواند نشریهای منتشر کند.	۰/۶۶۴	-۰/۳۲۱	۱/۰۰
۲۷	آزادی‌گرا	استقلال کامل مادی، در نتیجه سودآوری و فروش هرچه بیشتر می تواند یکی از اهداف مطبوعات باشد.	۰/۷۳۹	۰/۳۷۸	-۱/۱۱۷
۲	آزادی‌گرا	مدیریت مطبوعات می تواند متعلق به مالک نشریه باشد.	۰/۵۲۸	۰/۶۷۲	-۱/۱۱۷
۵۶	آمرانه	لغو مجوز انتشار از جمله حقوق خاص دولت است.	-۱/۳۹۲	-۰/۱۵۲	-۱/۵۲۸
۵۱	آمرانه	انتشار مطبوعات باید از طریق کسب مجوز رسمی از ارگان یا وزارتخانه مربوطه باشد.	-۱/۱۸۶	-۰/۳۹۸	-۱/۵۸۴
۳۵	توسعه‌ای	داشتن پروانه برای فعالیت مطبوعاتی لازم است.	-۱/۱۱۳	۰/۶۴۴	-۱/۷۶۲

■ مفهوم توسعه‌ای اداره مطبوعات  
 را می توان عکس العمل کشورهای  
 جهان سوم در قبال غرب و  
 رسانه‌های فراملی آن دانست.

گویه‌های مربوط به نظام مسئولیت اجتماعی در این طیف اثری نیست.

به این ترتیب، روزنامه‌نگاران ایرانی در درجه اول با ویژگی‌های نظام آمرانه مطبوعات به مخالفت برخاسته‌اند و در درجات بعد با گویه‌های نظام کمونیستی و توسعه‌ای. این امر، کشتش و تمایل آنها را برای برخورداری از شرایط آزاد، غیردولتی و مردم‌گرای روزنامه‌نگاری نشان می‌دهد.

یعنی هم‌چنان که انتظار می‌رفت، روزنامه‌نگاران ایرانی، خواستار فضای باز فعالیت‌های مطبوعاتی و شرایطی هستند که در آن عوامل محدود کننده آزادی و مسئولیت فردی و اجتماعی به حداقل برسد. در واقع، در پایان می‌توان به این نتیجه رسید که:

«روزنامه‌نگاران ایرانی با نظام آمرانه اداره مطبوعات به کلی مخالفند و در مجموع نظام مسئولیت اجتماعی را، بر سایر نظام‌های اداره مطبوعات ترجیح می‌دهند»

فراموش نشود که نظام مسئولیت اجتماعی مورد نظر روزنامه‌نگاران ایرانی نمی‌تواند با آنچه در غرب متداول است، یکی باشد. اگرچه این دو نظام ممکن است در اصول کلی دارای مشترکاتی باشند ولی به‌طور قطع به لحاظ نظام ارزشی و معیارهای اخلاقی و اجتماعی، تفاوت‌هایی خواهند داشت. قدر مسلم اینکه، نظام مسئولیت اجتماعی مورد نظر روزنامه‌نگاران ایرانی، نظامی است که برخی از ویژگی‌های خود را از اصول ارزشی، اعتقادی و انقلابی جامعه می‌گیرد و در صورت لزوم، برخی از اصول غربی را هم با مقتضیات فرهنگی، تاریخی و بومی خود سازگار می‌کند. □

پی‌نوشتها:

1. Media, Messages and Men.
2. Self- righting.
3. O- Methodology.
۴. برای مطالعه بیشتر به اصل پایان‌نامه مراجعه شود.

حال از زاویه‌ای دیگر به جدول گویه‌های مورد توافق دو گونه روزنامه‌نگار نگاه می‌کنیم. اگر جدول مزبور را به دو بخش مثبت و منفی تقسیم کنیم یعنی ۵۶ گویه مورد توافق را به دو دسته گویه‌هایی که هر دو گونه روزنامه‌نگار در «موافقت» و گویه‌هایی که هر دو گونه روزنامه‌نگار در «مخالفت» با محتوای آنها با یکدیگر متفق‌القولند، تقسیم کنیم، چنین نتیجه‌ای به دست می‌آید:

از ۳۰ گویه مورد موافقت هر دو گونه روزنامه‌نگار، ۱۲ گویه متعلق به نظام مسئولیت اجتماعی، ۷ گویه مربوط به نظام آزادی‌گرا، ۶ گویه متعلق به نظام کمونیستی و ۵ گویه مربوط به نظام توسعه‌ای اداره مطبوعات است و از گویه‌های نظام آمرانه، در طیف گویه‌هایی که هر دو گونه روزنامه‌نگار، در موافقت با آن، با یکدیگر همدلند، خبری نیست. به بیان دیگر، اگر نظام آمرانه، کمونیستی و توسعه‌ای را از یک ریشه و نظام‌های آزادی‌گرا و مسئولیت اجتماعی را نیز متعلق به یک خاستگاه بدانیم، در میان گویه‌های مورد توافق، ۱۱ گویه متعلق به دسته‌بندی اول و ۱۹ گویه متعلق به دسته‌بندی دوم است.

حال به بخش گویه‌هایی که هر دو گونه روزنامه‌نگار در مخالفت با محتوای آنها با یکدیگر هم‌صدا هستند نگاه می‌کنیم:

از ۲۶ گویه با ویژگی بالا، یازده گویه مربوط به نظام آمرانه، ۷ گویه مربوط به نظام کمونیستی، ۷ گویه متعلق به نظام توسعه‌ای و یک گویه متعلق به نظام آزادی‌گرا هستند و از

دیگر، روزنامه‌نگاران مزبور، بر سر دو ارزش نظام سرمایه‌داری غرب که «سودآوری و فروش هرچه بیشتر» و «به رسمیت شناختن حق صاحب سرمایه برای مدیریت» است، با یکدیگر، اختلاف نظر دارند.

سخن آخر

در جدول گویه‌های مورد توافق، از ۱۵ گویه‌ای که بالاترین میانگین نمره استاندارد (مساوی یا بالاتر از +۱) را در زمینه جلب موافقت دو گونه روزنامه‌نگار به دست آورده‌اند، ۷ گویه متعلق به نظریه مسئولیت اجتماعی، ۳ گویه متعلق به نظریه توسعه‌ای، ۳ گویه مربوط به نظریه آزادی‌گرا و دو گویه از نظام کمونیستی، می‌باشد و از نظام آمرانه، موردی در میان آنها مشاهده نمی‌شود. دو گویه پذیرفته شده نظام کمونیستی نیز از جمله گویه‌هایی هستند که مفهوم آنها مورد قبول صریح یا ضمنی سایر نظریه‌ها نیز هست. در مقابل، از ۱۳ گویه‌ای که بالاترین میانگین نمره استاندارد (مساوی یا کوچکتر از -۱) را در مخالفت هر دو گونه روزنامه‌نگار به دست آورده‌اند یعنی هر دو گونه روزنامه‌نگار در مخالفت با محتوای این ۱۳ گویه کاملاً با هم موافقت، ۵ گویه متعلق به نظام کمونیستی، ۵ گویه مربوط به نظام آمرانه، دو گویه متعلق به نظام توسعه‌ای و یک گویه متعلق به نظام آزادی‌گرای اداره مطبوعات است. در این طیف، هیچ یک از گویه‌های نظام مسئولیت اجتماعی دیده نمی‌شود.